

مقایسه تأثیر ابعاد سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) جهانی شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا



احمد جعفری صمیمی*

نصرت بحرینی**

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۷

چکیده

جهانی شدن به‌عنوان فرایندی چندوجهی، قیدهای جغرافیایی و مرزهای کشوری حاکم بر روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را کم‌رنگ می‌کند و شکل تازه‌ای از روابط را میان مردمان و ملت‌های مختلف به‌وجود می‌آورد. جهانی شدن دارای ابعاد و لایه‌های فراوانی است که تأثیر این ابعاد بر رشد اقتصادی، یکی از مهم‌ترین مباحث ادبیات اقتصادی در هزاره سوم می‌باشد. از میان ابعاد جهانی شدن، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت ویژه‌ای است. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ابعاد سه‌گانه جهانی شدن (جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن اجتماعی و جهانی شدن سیاسی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته است. به این منظور، از شاخص جدید جهانی شدن KOF که توسط مؤسسه اقتصادی KOF در سوئیس ارائه شده و داده‌های آماری سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ و روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج برآورد الگو نشان می‌دهد که ابعاد سه‌گانه جهانی شدن تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه داشته و به ترتیب ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارای بیشترین تأثیر بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: رشد اقتصادی، جهانی شدن، کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، شاخص KOF، داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: O47, O53, O54, F61, C23

مقدمه

جهانی شدن به عنوان فرایندی چندوجهی، قیدهای جغرافیایی و مرزهای کشوری حاکم بر روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را کم رنگ می کند و شکل تازه ای از روابط را میان مردمان و ملت های مختلف به وجود می آورد. تأثیر ابعاد جهانی شدن بر رشد اقتصادی یکی از مهم ترین مباحث ادبیات اقتصادی در هزاره سوم است. امیدها، بیم ها، فرصت ها، و تهدیدهای پیوستن به اقتصاد باز جهانی موضوع پژوهش های گسترده جهانی و کشوری است. جهانی شدن، مجموعه ای از فرایندهای پیچیده ای است که ابعاد و زمینه های متعددی را دربر می گیرد که از میان آنها، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت ویژه ای است که موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر می شود. از آنجاکه همه ابعاد جهانی شدن بر رشد اقتصادی اثر می گذارند، جهانی شدن یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی به شمار می رود.

پژوهش حاضر نیز در این راستا، اثر ابعاد سه گانه جهانی شدن بر رشد اقتصادی را در ۱۴ کشور منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA^۱) شامل اردن، الجزایر، امارات، ایران، بحرین، تونس، عربستان، عمان، قطر، کویت، لبنان، مراکش، مصر، و یمن برای دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ و با استفاده از حداکثر اطلاعات موجود، مورد بررسی قرار می دهد. برای این منظور از روش اقتصادسنجی داده های تابلویی استفاده شده است. انتخاب کشورها با استفاده از حداکثر داده های آماری موجود است. وجه تشابه کشورهای مورد مطالعه این است که همه

1. Middle East and North Africa (MENA)

آنها کشورهایی در حال توسعه از منطقه مهم خاورمیانه و شمال آفریقا بوده و عمدتاً کشورهای نفتی هستند.

از جمله مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد کلان که در ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورها استفاده می‌شود، رشد اقتصادی است. از دلایل این امر می‌توان به دامنه وسیع اثرگذاری و اثرپذیری رشد اقتصادی از سایر متغیرهای کلان از جمله تورم، بیکاری، حجم پول، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، توزیع درآمد، صادرات، واردات و... اشاره کرد. در یک رویکرد نظری، از جمله عواملی که می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد، جهانی شدن است. صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن را به صورت رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق گسترش فناوری تعریف می‌کند. سیاست آزادسازی تجاری، رشد اقتصادی را تقویت می‌کند (ساجز و وارنر^۱، ۱۹۹۵). رشد تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد سریع‌تر اقتصادی ارتباط مستقیم دارد (دلار و کرای^۲، ۲۰۰۱). فرایند جهانی شدن موجب پیشرفت اساسی در زمینه ارتباطات، حذف موانع تجاری، رشد سریع اقتصاد، بالا رفتن سطح زندگی، سرعت گرفتن نوآوری و ارتقای فناوری می‌شود.

اغلب پژوهش‌های انجام‌شده درباره جهانی شدن و رشد اقتصادی تنها یکی از ابعاد جهانی شدن مانند آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی را در نظر گرفته‌اند و کمتر به جهانی شدن به عنوان یک فرایند چندجانبه و فراگیر نگریسته‌اند. جهانی شدن دارای ابعاد و لایه‌های فراوانی است که از میان آنها، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت ویژه‌ای است. جهانی شدن اقتصاد بر ماهیت بی‌مرز جریان‌های اقتصادی و نیز بر تبدیل شدن جهان، به ویژه اقتصاد جهانی، به یک واحد همگرا شده تأکید می‌کند. جهانی شدن اجتماعی مربوط به تعامل انسان‌ها در جوامع فرهنگی مختلف و مربوط به موضوعاتی مانند خانواده، مذهب، کار و تحصیلات است. در جهانی شدن سیاسی پرسش از نقش دولت و حکومت در فرایند جهانی شدن است. این بعد از جهانی شدن باعث می‌شود که افراد و گروه‌ها قدرتمند شده و بتوانند بر

1. Sachs and Warner

2. Dollar and Kraay

دولت‌ها اثر بگذارند و آنها را تحت تأثیر خواسته‌های خود قرار دهند.

در این مقاله با توجه به دسترسی به شاخص‌های ابعاد سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) جهانی‌شدن، تأثیر هر یک از این ابعاد بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این منظور، با استفاده از شاخص کلان و جدید جهانی‌شدن KOF^۱ که توسط مؤسسه اقتصادی KOF در سوئیس ارائه می‌شود، تأثیر ابعاد سه‌گانه (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) جهانی‌شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منطقه MENA مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌طور کلی شاخص جهانی‌شدن اقتصادی KOF به دو زیربخش اصلی تقسیم می‌شود.

الف- جریان‌های واقعی اقتصاد که معمولاً برای اندازه‌گیری جهانی‌شدن اقتصاد به کار برده می‌شود و شامل اجزای تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری پرتفوی می‌باشد؛

ب- موانع و محدودیت‌های تجارت و سرمایه شامل موانع پنهان واردات، متوسط نرخ‌های تعرفه، مالیات در تجارت بین‌الملل (به‌عنوان سهمی از درآمد جاری) و شاخص کنترل سرمایه است که توسط گوارتنی^۲ و لائوسون^۳ ارائه شده است.

شاخص KOF، جهانی‌شدن اجتماعی را به سه طبقه تقسیم می‌کند.

الف- ارتباطات فردی؛

ب- جریان اطلاعات؛

ج- نزدیکی فرهنگی.

بعد سیاسی شاخص جهانی‌شدن KOF شامل تعداد سفارتخانه‌ها و کمیسیون‌ها در یک کشور، تعداد سازمان‌های بین‌المللی که آن کشور در آن عضویت دارد و تعداد مأموریت‌های شورای امنیت سازمان ملل در آن کشور و همچنین شامل تعداد معاهدات بین دو یا چند ایالت است که از سال ۱۹۴۵ به بعد امضا شده است.

1. KOF Globalization Index (German acronym for "Konjunkturforschungsstelle" (Economic Research Center))

2. Gwartney

3. Lawson

۱. ابعاد جهانی شدن

فرایند جهانی شدن بر کلیه جنبه‌های زندگی بشر اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و... تأثیر می‌گذارد. درحقیقت جهانی شدن به مفهوم همسویی در حیطه‌های مختلف است؛ بنابراین جهانی شدن دارای ابعاد و لایه‌های متعددی است که از میان آنها ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشند.

۱-۱. بعد اقتصادی

جهانی شدن اقتصاد را می‌توان فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و تحرک روزافزون منابع، فناوری، کالا، خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها، آسان‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد (بهکیش، ۱۳۸۰).

جهانی شدن اقتصاد فرایند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی است که در آن عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه)، فناوری و اطلاعات، آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کند و محصولات تولیدی (اعم از کالا و خدمات) نیز آزادانه به بازار کشورهای مختلف وارد می‌شوند. از ویژگی‌های اصلی این فرایند، اتکا بیشتر به نظام بازار و خصوصی‌سازی و آزادسازی در ابعاد مختلف آن، اعم از آزادسازی تجاری، بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است (دادگر و ناجی میدانی، ۱۳۸۲).

۱-۲. بعد اجتماعی

بعد اجتماعی جهانی شدن به اثر جهانی شدن بر زندگی و کار مردم، خانواده و جوامع اشاره دارد. نگرانی‌ها و مسائل جهانی شدن اجتماعی اغلب مربوط به اثر جهانی شدن بر اشتغال، شرایط بازار کار، درآمد و حمایت اجتماعی می‌باشد. فراتر از دنیای کسب‌وکار، بعد اجتماعی جهانی شدن شامل فرهنگ و هویت، همبستگی خانواده‌ها و جوامع است. به‌طور کلی، جهانی شدن اجتماعی مربوط به تعامل انسان‌ها در جوامع فرهنگی مختلف و در ارتباط با موضوعاتی مانند خانواده، مذهب، کار و تحصیلات می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۱).

۳-۱. بعد سیاسی

بعد سیاسی جهانی شدن موجب می‌شود که افراد و گروه‌ها قدرتمند شوند و بتوانند به‌عنوان گروه‌های ذی‌نفع بر دولت‌ها تأثیر بگذارند و آنها را تحت تأثیر تصمیم‌ها، برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار دهند. در این بعد از جهانی شدن پرسش از نقش دولت و حکومت در فرایند جهانی شدن است (میرمحمدی، ۱۳۸۱).

در عصر جهانی شدن سیاست، دیگر نمی‌توان از حاکمیت ملی، مرزهای ملی و امنیت ملی سخن گفت. فقدان اقتدار در حیطه جغرافیایی خاص، تأکیدی بر این واقعیت است که اقتدار، خصلت ارضی خود را از دست داده است. جهانی شدن، منافع ملی و امنیت ملی کشورها را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده و کشورهای که فاقد ابزار لازم برای دفاع از منافع و امنیت خود بوده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت در روند جهانی شدن، باعث شکنندگی و صدمه‌پذیری آنان می‌گردد (حمیدی و سرفرازی، ۱۳۹۰).

۲. مبانی نظری

تأثیر متقابل جهانی شدن و رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصادی در هزاره سوم است. متغیرهای زیادی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از جمله این متغیرها می‌توان به مخارج دولت، اشتغال، سرمایه‌گذاری، تورم، صادرات، واردات و... اشاره کرد. با رویکردی نظری یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، جهانی شدن است. یکی از نتایج جهانی شدن، این است که کشورها می‌توانند از امکانات تولیدی یکدیگر استفاده کرده و از انزوای تجاری خارج شوند و به‌این ترتیب از سطح کارایی تولید و رفاه اجتماعی برخوردار شوند. برای بررسی علل و عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، الگوهای فراوانی طراحی شده است.

لوین و رنلت^۱ (۱۹۹۲) در تعمیم الگوی سولو با معرفی الگوی خود بیان می‌کنند که هنوز یک الگوی نظری مورد قبول همگان، برای انجام کارهای تجربی وجود ندارد. الگوهای نظری موجود نیز متغیرهایی را که معمولاً در الگوهای رشد یا مطالعات تجربی استفاده شده‌اند، مشخص نمی‌کند.

1. Levin and Renelt

جهانی شدن، به مفهوم باز بودن اقتصاد، به تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد و تقویت عوامل رشد کمک می‌کند. یکی از عوامل رشد اقتصادی، هدایت نهاده‌ها به سوی مطلوب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی (با توجه به مزیت نسبی) است. در فرایند جهانی شدن، منابع داخلی با توجه به مزیت‌های نسبی اقتصاد و میزان اثربخشی سرمایه‌گذاری‌ها، به مطلوب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شوند.

آزادسازی، اقتصاد را به بازارهای بزرگ‌تر پیوند می‌دهد. از *آدام اسمیت*^۱ تا اقتصاددانان دیگر بر این باورند که اندازه بازار در رشد مؤثر است. بازار بزرگ‌تر دسترسی به دیدگاه‌های بیشتر، امکان فعالیت‌های با هزینه ثابت بزرگ‌تر، و تقسیم کار مطلوب‌تر را فراهم می‌کند. بازار بزرگ‌تر در نهایت رقابت را بهبود می‌بخشد و به نوبه خود به ارتقای خلاقیت کمک می‌کند. شواهد نشان می‌دهند که پیوستگی با اقتصاد جهانی برای اقتصادهای کوچک و ضعیف بسیار بیشتر از اقتصادهای بزرگ دیگر نظیر هند و چین اهمیت دارد (ساچز و وارنر، ۱۹۹۵).

از جمله پژوهش‌هایی که تأثیر ابعاد سه‌گانه جهانی شدن بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است، مطالعه *دریهر* (۲۰۰۵) می‌باشد. این پژوهشگر به لحاظ تجربی رابطه بین ابعاد سه‌گانه جهانی شدن با رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که جهانی شدن اقتصادی و اجتماعی رشد اقتصادی را افزایش داده و جهانی شدن سیاسی اثری بر رشد اقتصادی ندارد.

جهانی شدن در مفهوم کلی آن می‌تواند از راه‌های مختلفی از جمله آزادسازی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های سرمایه، ارتباطات فردی و گردشگری بین‌المللی، جریان اطلاعات و روابط سیاسی، بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد.

۲-۱. تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر رشد اقتصادی از طریق آزادسازی تجارت

تفسیر اقتصاددانان کلاسیک از رابطه بین تجارت خارجی و رشد و توسعه اقتصادی این است که تجارت خارجی عاملی برای رشد اقتصادی است. از نظر *هلامینت*^۲

1. Adam Smith

2. Hla Myint

نظریه تجارت بین‌الملل به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. نظریه روزنه‌ای برای بازار؛

۲. نظریه هزینه نسبی ایستا؛

۳. نظریه بهره‌وری پویا.

نظریه نخست به این معنی است که بخش‌های صنعتی و کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، به‌طور کامل و بهینه مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، پس با گسترش رابطه تجاری، این کشورها می‌توانند تولید را افزایش دهند و یک مازاد تولید ایجاد نموده و آن را صادر کنند. در واقع جهانی شدن اقتصاد باعث می‌شود که منابع استفاده‌نشده مانند نیروی کار و زمین، مورد استفاده قرار گیرند و پس از تولید، کالاهای مازاد را صادر کنند.

نگرش دوم این است که تجارت، بدون کاهش در مصرف داخلی، ظرفیت‌های تولید در بخش‌های یادشده را افزایش دهد و بخش‌های اقتصادی مازاد، کالاهای تولیدشده را صادر کنند. در مقابل صادر کردن این مازاد تولید، کالاهای صنعتی و دیگر فراورده‌های مورد نیاز وارد می‌شود. این نگرش مطابق با نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت است. در واقع نگرش دوم بیشتر به گسترش بازار و تقسیم کار اشاره دارد و از طریق بهبود فناوری و تخصص در تولید، باعث می‌شود که مشکل کمبودهای بازار داخلی حل شود.

نگرش سوم، بهره‌وری پویا است؛ یعنی تجارت از طریق توسعه بازار و تقسیم کار باعث می‌شود که از ظرفیت‌ها و ماشین‌آلات موجود استفاده بیشتری شود و نوآوری در تولید ایجاد شده و بهره‌وری نیروی کار افزایش یابد و در نتیجه تجارت سبب می‌شود که کشورها از بازده‌های فزاینده و توسعه اقتصادی بهره‌مند شوند (عاشورزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

جان استوارت میل اثر تجارت را به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم تفکیک می‌کند. اثر مستقیم تجارت، استفاده بیشتر از عوامل تولید و کارایی بیشتر در سطح بین‌المللی و اثر غیرمستقیم آن مربوط به گسترش بازار کالاها و خدمات، افزایش ادعاعات و بهره‌وری و افزایش انباشت سرمایه است. وی درباره منافع حاصل از تجارت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی معتقد است تجارت فرصتی ایجاد می‌کند که

کشورها در تولید کالاهایی که عوامل تولید آن کالاها در آن کشور موجود است، تخصص کسب کنند. همچنین تجارت، کشورهای درحال توسعه که دارای بازارهای کوچک و هزینه‌های بالای تولیدی می‌باشند را با صرفه‌های مقیاس اقتصادی مواجه می‌کند و با استفاده از روابط تجاری، صادرات را افزایش داده و صرفه‌های اقتصادی، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. به‌طور کلی می‌توان گفت اقتصاددانان کلاسیک، تجارت را عامل اصلی رشد اقتصادی می‌دانند (عاشورزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

ساجز و وارنر (۱۹۹۵) بر این باورند که سیاست آزادسازی تجاری، رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. آنها یک شاخص ترکیبی از میزان آزادی تجاری برحسب نرخ تعرفه‌ها برای کالاهای سرمایه‌ای، میزان موانع غیرتعرفه‌ای، و میزان وارونگی بازار ارزهای خارجی (که به‌طور مستقیم با اضافه‌پرداخت بازار جبران می‌شود) ایجاد کرده‌اند.

دلار (۱۹۹۲) رابطه بین باز بودن تجاری و نرخ سرمایه‌گذاری را بر رشد اقتصادی بررسی کرده است و نتایج حاکی از آن بوده است که این دو متغیر با رشد اقتصادی، رابطه مثبتی دارند. وی همچنین شاخص ویژه قیمت را که بر مبنای عوامل تولید موجود تنظیم می‌شود، معرفی و استدلال کرده است که قیمت‌های بالا برای کالاهای قابل مبادله به‌مثابه سیاست‌های حمایتی قوی‌تر از واردات است. به این ترتیب، او تأثیر زیاد آن را در رشد شناسایی کرده است.

هاریسون^۱ (۱۹۹۶) با استفاده از داده‌های تابلویی و آزمون علیت گرنجر، وجود رابطه مستقیم بین باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی را نشان داده است.

فرانکل و رومر^۲ (۱۹۹۹) نشان داده‌اند که آزادی تجاری برحسب سهم تجارت در درآمد با رشد بلندمدت اقتصادی رابطه مستقیم دارد. آنها توانستند امکان ایجاد روابط معکوس علی و معلولی بین رشد اقتصادی و تجارت را با ترکیب مؤلفه‌های تجارت و متغیرهای جغرافیایی توجیه کنند. این استدلال تأییدکننده الگوهای اقتصادی است که دسترسی به بازارها را عامل رشد می‌دانند، اما روش ساده‌ای که امکان تأثیر شرایط جغرافیایی را در رشد نشان دهد، وجود ندارد.

1. Harrison

2. Frankel and Romer

۲-۲. تأثیر جهانی شدن اقتصادی بر رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های سرمایه

طیف اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار گسترده است؛ مانند تسریع آهنگ رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، انتقال فناوری و تکنیک‌های تولید، تقویت و گسترش منابع مهم مالی و بین‌المللی، افزایش تحقیق و توسعه (R&D)، افزایش بهره‌وری، تأثیر بر واردات و صادرات و تراز پرداخت‌ها، افزایش قدرت رقابت و رشد فناوری ملی و ظرفیت کار و رشد مؤسسه‌ها و شرکت‌های داخلی (کمپجانی و قویدل، ۱۳۸۵).

به‌لحاظ تاریخی نقش و جایگاه سرمایه‌گذاری، در فرایند رشد و توسعه به‌حدی است که سرمایه‌گذاری را موتور محرکه رشد اقتصادی نامیده‌اند. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی تنها انتقال سرمایه نیست، بلکه انتقال فناوری و دسترسی به بازارهای بین‌المللی است. این سرمایه‌گذاری‌ها برای مشارکت در شبکه تولید بین‌المللی ضروری است.

ارتباط میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص ملی نخستین بار در مدل‌های رشد نئوکلاسیکی مطرح شد. در الگوهای رشد نئوکلاسیکی، پیشرفت فناوری و نیروی کار، برون‌زا در نظر گرفته می‌شوند و بنابراین عقیده بر این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند تنها در کوتاه‌مدت و از طریق افزایش سرمایه فیزیکی منجر به رشد اقتصادی کشور میزبان شود، اما در بلندمدت تأثیر بسزایی بر آن ندارد؛ زیرا به عقیده نئوکلاسیک‌ها رشد بلندمدت تنها از طریق رشد نیروی کار و رشد فناوری رخ می‌دهد (سولو، ۱۹۵۶).

از دهه ۱۹۸۰، نظریه‌های رشد درون‌زا مطرح شده‌اند که در آنها فناوری به‌عنوان یک عامل درون‌زا تلقی می‌شود. در الگوهای رشد درون‌زا فرض بر این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری داخلی از کارایی بیشتری برخوردار است. در این الگوها، تأکید بر کانال‌های دیگری از قبیل R&D، سرمایه انسانی، نرخ ارز، عوامل بیرونی یا اثرات سرریز است که سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی از این طریق باعث رشد اقتصادی بلندمدت می‌شود (گراسمن و هلپمن^۱، ۱۹۹۱؛ لوکاس، ۱۹۸۸).

براساس نظریه‌های رشد درون‌زا، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌واسطه انتقال فناوری منجر به ایجاد سرریزهای بهره‌وری در اقتصاد شده و این خود، باعث رشد اقتصادی می‌شود.

هرمیس و لنسیک^۲ (۲۰۰۰) کانال‌هایی که از طریق آنها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند اثرات بیرونی مثبتی داشته باشد را چند عامل می‌دانند. نخست، کانال رقابتی که از طریق آن رقابت بین نیروی کار و سرمایه باعث افزایش کارایی و بهره‌وری این دو عامل شده و در نتیجه از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان یک کاتالیزور که فرایند رشد را تسهیل می‌کند، یاد می‌شود. دوم، کانال‌های یادگیری که نیروی کار و مدیران از طریق آن آموزش می‌بینند (دیملو^۳، ۱۹۹۹). سوم، کانال‌های ارتباطی که از طریق آن انتقال سرمایه منجر به انتقال فناوری می‌شود، چهارم، اثر تقلید که براساس آن بنگاه‌های داخلی سعی به کپی‌برداری از فناوری‌های خارجی می‌کنند. **فیندلی**^۴ (۱۹۷۸) نقش غالب را برای فرایندهای مدیریتی و انتقال فناوری قائل است و معتقد است که سرمایه‌گذاری خارجی به کمک این دو عامل منجر به رشد اقتصادی می‌شود. به‌طورکلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند از طریق انباشت سرمایه فیزیکی و ایجاد سرریزهای دانش نقش مهمی در فرایند رشد اقتصادی ایفا کند.

نئوکلاسیک‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی را به‌عنوان یک عامل مثبت در رشد اقتصادی، انتقال‌دهنده سرمایه، فناوری پیشرفته و مدیریت کارآمد می‌دانند که منجر به افزایش رفاه اجتماعی می‌شود (فرزین و همکاران، ۱۳۹۱).

بورنسزترین و همکاران^۵ (۱۹۹۸) مطرح کردند که وجود جریان سرمایه خارجی

-
1. Grossman & Helpman
 2. Hermes & Lensic
 3. De Mello
 4. Findly
 5. Borensztein, et al.



می تواند سرمایه اضافی را برای پس انداز محلی و انباشت سرمایه فراهم کند، و جریان سرمایه می تواند رشد اقتصادی را از طریق سرریز دانش و تأثیرات کارایی بازار افزایش دهد؛ بنابراین به لحاظ نظری یک ارتباط تنگاتنگ میان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی وجود دارد.

۳-۲. تأثیر جهانی شدن اجتماعی بر رشد اقتصادی از طریق ارتباطات فردی و گردشگری بین المللی

ظرفیت های صنعت گردشگری مانند ایجاد فرصت های شغلی، توسعه زیرساخت ها، ورود گردشگران خارجی، افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی، افزایش صادرات و افزایش امکان سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی تأثیر می گذارد، که این امر توجه ویژه ای را می طلبد. با درک موقعیت برتر صنعت گردشگری در الگوهای مختلف توسعه اقتصادی، می توان رشد اقتصادی کشورها را تقویت کرد (شریفی رنانی و همکاران، ۱۳۸۹).

فرضیه صادرات منجر به رشد (ELGH^۱)، فرض می کند که رشد اقتصادی علاوه بر افزایش تعداد نیروی کار و سرمایه گذاری در اقتصاد، به وسیله توسعه صادرات نیز حاصل می شود. با استناد به این فرضیه، فرضیه گردشگری منجر به رشد (TLGH^۲)، گرفته شده است، زیرا:

۱. گردشگری بین المللی به عنوان یک منبع تأمین مالی، نوعی صادرات جدید محسوب می شود؛

۲. یک عامل استراتژیک بالقوه برای رشد و توسعه اقتصادی به شمار می آید، که مبنای بسیاری از پژوهش های اقتصادی در سطح جهانی قرار گرفته است که در بیشتر موارد، درستی آن به اثبات رسیده و تنها تفاوت آن با صادرات کالاهای و خدمات این است که مصرف کننده، آن را در کشور میزبان مصرف می کند. این نظریه استدلال می کند که رشد اقتصادی یک کشور نه تنها تابعی از نیروی کار، سرمایه، صادرات و عوامل دیگر در آن کشور است، بلکه می تواند تحت تأثیر میزان

1. Export-Led Growth Hypothesis

2. Tourism-Led Growth Hypothesis

گردشگر وارد شده به آن کشور نیز باشد. **بالاگوئر و کانتاولا**^۱ (۲۰۰۲)، نخستین پژوهشگرانی بودند که به این مفهوم اشاره کردند و از آن پس، توجه زیادی به این موضوع معطوف شده است (شریفی رنانی و همکاران، ۱۳۸۹).

صنعت گردشگری می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش اشتغال، درآمدهای مرتبط با مکان‌های اقامتی و نیز درآمدهای دولتی کشورها داشته باشد؛ از این رو، گردشگری به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

۱-۳-۲. اثر مستقیم

از آنجاکه گردشگری یکی از صنایع خدماتی است، درآمد حاصل از این صنعت بخشی از تولید ناخالص داخلی کشور میزبان محسوب می‌شود؛ بنابراین به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی آن کشور تأثیر می‌گذارد و از این طریق می‌تواند راهکار مناسبی برای کسب درآمدهای سرشار ارزی برای کشورها و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر باشد.

۲-۳-۲. اثر غیرمستقیم

گردشگری به‌صورت غیرمستقیم نیز بر رشد تأثیر می‌گذارد؛ زیرا اثرات پویایی در کل اقتصاد را به‌شکل اثرات سرریز و یا دیگر آثار خارجی نشان می‌دهد. به این صورت که اگر گردشگری دچار رونق شود، فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی که به این بخش، کالا یا خدمت ارائه می‌دهند و یا از محصول آن استفاده می‌کنند، پویاتر می‌شود؛ یعنی گردشگری می‌تواند به‌عنوان موتور برای رشد اقتصادی عمل کند و سایر فعالیت‌ها را نیز به‌دنبال خود به‌جلو براند (طیبی و همکاران، ۱۳۸۶).

بالاگوئر و کانتاولا (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی نقش گردشگری در رشد بلندمدت اقتصادی اسپانیا پرداخته‌اند. فرضیه آنها مبنی بر اینکه گردشگری به رشد اقتصادی منجر می‌شود، با آزمون علیت و هم‌جمعی تأیید شده است. نتایج به‌دست‌آمده توسط آنها نشان داده است که رشد اقتصادی در اسپانیا در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۷ به‌طور محسوس و مشهودی موجب توسعه پایدار گردشگری بین‌المللی شده است.





دریتساکیس^۱ (۲۰۰۴) اثر گردشگری بر رشد اقتصادی بلندمدت در یونان را با استفاده از روش علیت گرنجر در دوره زمانی ۲۰۰-۱۹۶۰ بررسی کرده است. نتایج برآورد الگو توسط آنها نشان داد که یک رابطه علی قوی دوطرفه، بین درآمدهای حاصل از گردشگری بین‌المللی و رشد اقتصادی وجود دارد.

سکیرا و کمپوز^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی با استفاده از روش داده‌های تابلویی در چهار دوره زمانی پنج‌ساله بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹، به این نتیجه دست یافته‌اند که به‌طور متوسط، کشورهای گردشگرمحور، نسبت به کشورهای دیگر، رشد اقتصادی بیشتری دارند.

کیم و همکاران^۳ (۲۰۰۶)، رابطه علی بین گسترش گردشگری و رشد اقتصادی را در تایوان بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یک رابطه تعادلی بلندمدت بین گردشگری و رشد اقتصادی در کشور تایوان وجود دارد و این رابطه دوطرفه است؛ به عبارت دیگر، در کشور تایوان، گردشگری و رشد اقتصادی، همدیگر را تقویت می‌کنند.

۲-۴. تأثیر جهانی شدن اجتماعی بر رشد اقتصادی از طریق جریان اطلاعات فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان یک فناوری جدید، در دهه ۱۹۹۰ وارد بازار شد و به‌سرعت توسعه یافت. این فناوری به‌دلیل عمومی بودن آن، با سایر فناوری‌ها تفاوت اساسی دارد؛ به این معنی که تنها در حوزه فعالیت خود تأثیرگذار نیست، بلکه در تمام فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی تأثیر بسزایی در تسهیل انجام امور و افزایش بهره‌وری و کارایی دارد. افزایش تولید فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند تولید، اشتغال، درآمدهای صادرات، بهره‌وری، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی را افزایش دهد. شاید عامل اصلی تحقق جهانی شدن اقتصاد، پیشرفت فناوری اطلاعات باشد که هزینه‌های ارتباط از راه دور را کاهش داده، اهمیت فاصله را در فعالیت اقتصادی به حداقل رسانده، تولید را افزایش داده و درنهایت باعث

1. Dritsakis

2. Sequeira & Compos

3. Kim & et al.

افزایش رشد اقتصادی شده است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات از سه طریق می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد:

۱. رشد بهره‌وری کلیه عوامل در بخش‌های تولیدکننده فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
۲. تعمیق سرمایه؛
۳. رشد بهره‌وری کلیه عوامل از طریق سازماندهی دوباره و به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات.

یکی از جنبه‌های انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد قابل‌توجه بهره‌وری همه عوامل در صنایع تولیدکننده محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این رشد خارق‌العاده، ناشی از پیشرفت سریع فناوری در این بخش از صنعت بوده است. از مهم‌ترین نمونه‌های رشد سریع فناوری در این صنعت، رشد سریع قدرت محاسبه محصولات جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات است. چنین سرعت بالایی در پیشرفت فناوری، معادل رشد سریع بهره‌وری کلیه عوامل در بخش تولیدکننده محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات است، که به‌نوبه خود موجب رشد بهره‌وری همه عوامل اقتصاد می‌شود.

جنبه دیگری که فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق آن به رشد اقتصادی کمک می‌کند، جذب سطح بالایی از سرمایه توسط بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات است که باعث تولید محصولات جدید و کاهش قیمت محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌شود. افزایش سرمایه‌گذاری در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات، باعث افزایش نسبت سرمایه به تعداد کارکنان در این صنعت می‌شود که به‌معنی تعمیق سرمایه در فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

سومین جنبه از تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشد اقتصادی، تأثیرات بلندمدت آن است که با وجود بلندمدت بودن، تأثیر عمیقی در پیشرفت و تحول جامعه دارد. پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، توانمندی بسیار بالایی در به‌هم‌ریختن و سازماندهی دوباره تولید و توزیع محصولات، خدمات و نحوه فعالیت‌های اجتماعی دارند. شایان توجه است که چنین دگرگونی‌هایی در امور و

شیوه انجام کارهای تولیدی، خدماتی و اجتماعی را پیشتر با ظهور موتورهای الکتریکی، تلفن و تلگراف، تجربه کرده‌ایم، ولی به نظر می‌رسد محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات، این بار تحولات عمیق‌تری ایجاد کنند. این تغییرات به آسان شدن و سرعت یافتن انجام امور و افزایش کارایی و بهره‌وری اقتصادی کمک بسیاری خواهند کرد (گیانگ و همکاران^۱، ۲۰۰۳).

استیواو و لوی^۲ (۲۰۰۰) نشان دادند که تعمیق سرمایه مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرانسه، باعث افزایش رشد اقتصادی این کشور، از صفر به ۰/۲۵ درصد شده است.

پوجولا^۳ (۲۰۰۲) با بررسی ۴۲ کشور در حال توسعه و ۲۴ کشور با درآمد بالا، در دوره زمانی ۱۹۸۵-۱۹۹۹، اقدام به برآورد اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر بهره‌وری کشورهای یادشده کرد. نتیجه پژوهش آنها نشان داده است که تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر میزان بهره‌وری اقتصادی کشورهای با درآمد بالا، معنی‌دار و مثبت، ولی در کشورهای در حال توسعه مثبت ولی بی‌معنی است.

۲-۵. تأثیر جهانی‌شدن سیاسی بر رشد اقتصادی

جهانی‌شدن سیاسی، گسترش روابط سیاسی بین کشورها را نشان می‌دهد. بدون شک، بهبود روابط سیاسی در میان کشورها، باعث رونق تجارت بین کشورها می‌شود که افزایش رشد اقتصادی را در پی دارد. همچنین گسترش روابط سیاسی بین کشورها، موجب کاهش تنش‌ها شده و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش داده و به رشد اقتصادی منجر می‌شود.

از دهه ۱۹۹۰، متغیرهای سیاسی و نهادی نیز به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر رشد، شناخته شده‌اند (ساللا^۴، ۱۹۹۷).

فیدلیس و الوکایود^۵ (۲۰۱۲)، تأثیر ابعاد سه‌گانه جهانی‌شدن بر رشد اقتصادی

-
1. Qiang, et al.
 2. Estevao & Levy
 3. Pohjola
 4. Sala
 5. Fidelis and Olukayode

را برای نیجریه در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۷۰ مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها نشان دادند که هر دو شاخص جهانی شدن اقتصادی و سیاسی، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. در عوض، در مطالعه آنها شاخص جهانی شدن اجتماعی تأثیری منفی بر رشد داشته است.

نمودار شماره (۱). نمودار محورهای اثرگذاری جهانی شدن بر رشد اقتصادی



منبع: مطالعات انجام‌شده توسط محقق

۳. مروری بر پژوهش‌های تجربی

بیشتر مطالعات انجام‌شده درباره رابطه جهانی شدن و رشد اقتصادی تنها یکی از ابعاد جهانی شدن مانند آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی را در نظر می‌گیرند. درحقیقت جهانی شدن به‌عنوان یک فرایند چندبعدی و فراگیر، نیازمند بررسی‌های تجربی بیشتری است. در پژوهش حاضر از شاخص کلان و جدید جهانی شدن KOF استفاده شده و علاوه بر این، تأثیر ابعاد سه‌گانه جهانی شدن بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۱). خلاصه پژوهش‌های تجربی انجام‌شده در مورد جهانی‌شدن و رشد اقتصادی

الف- پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور				
عنوان	پژوهشگر	روش	محدوده مکانی و زمانی پژوهش	نتایج
اثر جهانی‌شدن تجارت بر رشد اقتصادی در ایران	دادگر و ناجی‌میدانی ۱۳۸۳	روش حداقل مربعات معمولی	۱۳۳۸ تا ۱۳۹۹ ایران	یافته‌های این پژوهش از آثار مثبت جهانی‌شدن تجارت بر سطح تولید سرانه و نرخ رشد اقتصادی در ایران حکایت دارد.
تأثیر جهانی‌شدن بر رشد اقتصادی ایران	لطفعلی‌ثانی ۱۳۸۵	روش اقتصادسنجی سری زمانی	۱۳۶۲ تا ۱۳۸۳ ایران	نتایج نشان داده است که جهانی‌شدن به‌وسیله یکی از مهم‌ترین ابزار خود، یعنی تجارت، بر رشد اقتصادی اثری مثبت دارد.
تحلیل نقش جهانی‌شدن در جذب سرمایه خارجی و رشد اقتصادی	ترابی و محمزه‌ادی اصل ۱۳۸۶	-	۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ ۳۵ کشور در حال توسعه	نتایج حاکی از وجود اثر مثبت جریان سرمایه مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری در پرفنوی بر رشد اقتصادی در کشورهایی است که از درجه بالاتری از جهانی‌شدن برخوردارند. عوامل ساختاری، سیاستی و شاخص‌های جهانی‌شدن برای جذب سرمایه و رشد اقتصادی در کشورهایی با درجه پایین‌تر جهانی‌شدن از اهمیت بیشتری برخوردار است.
بررسی رابطه تجارت خارجی و باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی ایران	امام وردی و شریفی ۱۳۸۹	تصحیح خطا (VECM) و تابع عکس‌العمل (IRF)	۱۳۵۳ تا ۱۳۸۶ ایران	نتایج حاکی از آن بوده است که تأثیر درجه باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر جدید در کنار سایر متغیرها مثبت و معنی‌دار است. همچنین کاهش نسبت متوسط تعرفه واردات به‌عنوان اثر سیاست‌گذاری تجاری بر رشد رابطه مستقیم با رشد اقتصادی کشور داشته و علامت ضرایب برآورده‌شده متغیرها با تئوری سازگار است.
بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی: تلفیق روش‌های سیستم دینامیک و اقتصادسنجی	فرزین و همکاران ۱۳۹۱	تلفیق روش‌های سیستم دینامیک و اقتصادسنجی	۱۳۵۷ تا ۱۳۸۶ ایران	نتایج این پژوهش، تأییدکننده اثر مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی است.
نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در رشد اقتصادی ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۷) و بررسی رابطه متقابل آنها	استادی و همکاران ۱۳۹۲	روش اقتصادسنجی آزمون علیت گرنجر	۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ ایران	نتایج تحقیق بیانگر آن است که رشد اقتصادی، باز بودن تجاری و سرمایه انسانی، تأثیر مثبتی بر روند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد و آزمون علیت گرنجر نیز وجود یک رابطه متقابل میان رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را نشان می‌دهد.
اثر جهانی‌شدن اقتصاد بر رشد اقتصادی با استفاده از روش خودتوضیح برداری	رضوی و سلیمی‌فر ۱۳۹۲	روش خودتوضیح برداری (VAR)	۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ ایران	شاخص‌های آزادسازی تجاری و مالی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند.
اثر جهانی‌شدن اقتصاد و تجارت بر رشد اقتصادی مدل خودتوضیحی برداری	عاشورزاده و همکاران ۱۳۹۲	مدل خودتوضیحی برداری (VAR)	۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ ایران	در کوتاه‌مدت جهانی‌شدن اقتصاد تأثیر ناچیزی بر رشد اقتصادی دارد؛ اما با گذشت زمان جهانی‌شدن می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر رشد اقتصادی داشته باشد.
بررسی رابطه جهانی‌شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی: مطالعه موردی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا	جعفری‌صمیمی و بحرینی ۱۳۹۳	روش اقتصادسنجی آزمون علیت گرنجر	۱۹۷۹ تا ۲۰۱۰ منتخبی از کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا	نتایج این تحقیق نشان داده است که، یک رابطه علی یک‌سویه از طرف جهانی‌شدن سیاسی به جهانی‌شدن اقتصادی، و یک رابطه علی یک‌سویه از سوی جهانی‌شدن اجتماعی به جهانی‌شدن اقتصادی، و همچنین یک رابطه علی یک‌طرفه از سوی جهانی‌شدن سیاسی به جهانی‌شدن اجتماعی وجود دارد.

1. Vector Error Correction Model

بـد پژوهش‌های انجام‌شده در خارج کشور				
عنوان	پژوهشگر	روش	محدوده زمانی و مکانی پژوهش	نتایج
اقتصادهای درحال توسعه بیرون گرا آیا واقعاً سرعت رشد بیشتری دارند	دلار ۱۹۹۲	-	۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ ۹۵ کشور درحال توسعه	نتایج نشان داده است که رشد اقتصادی با نرخ سرمایه‌گذاری رابطه مثبت دارد. همچنین قیمت‌های بالا برای کالاهای قابل مبادله مانند سیاست‌های قوی حمایت از واردات است و با رشد اقتصادی رابطه منفی دارد.
آیا تجارت باعث رشد می‌شود؟	فرانکل و رومر ۱۹۹۹	روش حداقل مربعات معمولی	در یک دوره زمانی پنج‌ساله ۶۳ کشور	آزادی تجاری برحسب سهم تجارت در درآمد، با رشد بلندمدت اقتصادی رابطه‌ای مستقیم دارد.
تجارت، رشد و فقر	دلار و کرای ۲۰۰۱	-	داده‌های آماری طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ۷۳ کشور درحال توسعه	نتایج به‌دست‌آمده نشان داده‌اند که رشد تجارت و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی با رشد سریع‌تر اقتصادی ارتباط مستقیم دارد؛ بنابراین اقتصادهای جهانی‌شده، نرخ رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کرده‌اند.
بررسی تأثیر یکی از جنبه‌های جهانی شدن بر رشد اقتصادی در آفریقا	بالیامونه ۲۰۰۲	روش رگرسیون داده‌های تابلویی	۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ کشورهای آفریقای	نتایج نشان داده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. با این حال، به نظر نمی‌رسد که آزادی تجارت در کشورهای فقیر رشد اقتصادی را افزایش دهد. یافته‌های تجربی موفق به اثبات این فرضیه شد که باز بودن بیشتر موجب همگرایی به سمت درآمد بالاتر می‌شود. در مقابل، شواهدی وجود دارد که آزادی بیشتر برای تجارت بین‌المللی رشد اقتصادی را در درجه‌ی اول در کشورهای آفریقایی با درآمد بالاتر افزایش داده است.
جهانی شدن و رشد اقتصادی در آفریقای جنوبی: آیا ما از تجارت و آزادسازی مالی منتفع می‌شویم؟	لوتس ۲۰۰۲	-	۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ آفریقای جنوبی	نتایج نشانگر این بوده است که از دیدگاه تجاری، مزایای حجم تجارت در رشد اقتصادی، نسبتاً کم می‌باشد. در سال ۱۹۹۰، تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد بسیار بیشتر بوده است. به ویژه در مورد کشورهای آمریکای لاتین که در آنها سیاست‌های تجارت آزاد تأثیر قوی بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین در کشورهای شرق آسیا آزادسازی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر قوی بر رشد اقتصادی داشته است.
آیا جهانی شدن بر رشد تأثیر دارد؟ مدارک و شواهدی از یک شاخص جدید جهانی شدن	درهر ۲۰۰۵	روش داده‌های تابلویی	۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ ۱۲۳ کشور	نتایج نشان داده‌اند که جهانی شدن اقتصادی رشد را افزایش می‌دهد. اگر چه با اثر کمتر، جریان اطلاعات و جهانی شدن اجتماعی نیز رشد را بالا می‌برد، در حالی که جهانی شدن سیاسی اثری بر رشد اقتصادی ندارد.
رشد اقتصادی تحت تأثیر جهانی شدن: شواهدی از تجزیه و تحلیل داده‌های تابلویی	زوانگ و کو ۲۰۰۷	روش داده‌های تابلویی	۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ ۵۶ کشور شامل ۱۹ کشور توسعه‌یافته و ۳۷ کشور درحال توسعه	نتایج برآورد نشان داده است که جهانی شدن اقتصادی اثر مثبت قابل توجهی بر رشد اقتصادی در همه کشورهای مورد بررسی داشته است. با این حال برای چین و هند رابطه قوی‌تر به دست آمده است.
تأثیر جهانی شدن بر رشد اقتصادی پاکستان: مدل تصحیح خطا	افضل ۲۰۰۸	روش سری زمانی	۱۹۶۰ تا ۲۰۰۶ پاکستان	نتایج یکپارچگی نشان داده است که یک رابطه بلندمدت قوی بین رشد اقتصادی، باز بودن تجارت و ادغام مالی وجود دارد و اقتصاد پاکستان قطعاً از فرایند جهانی شدن بهره‌مند خواهد شد.
رابطه بین جهانی شدن، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد	حشمتی و لی ۲۰۱۰	روش داده‌های تابلویی	۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ ۶۱ کشور توسعه‌یافته و درحال توسعه	یک ارتباط مثبت بین رشد اقتصادی و جهانی شدن، و یک رابطه منفی بین نابرابری درآمد و جهانی شدن وجود دارد.
رشد اقتصادی و جهانی شدن در رومانی	موتاسکو و فیلیسچر ۲۰۱۱	روش خودرگرسیون برداری نامقید	۱۹۷۲ تا ۲۰۰۶ رومانی	نتایج حاکی از آن بوده است که اگر کشورها تمایل به حداکثر رساندن رشد اقتصادی دارند، باید بیشتر جهانی شوند.
باز بودن تجارت و رشد اقتصادی در ایران	احمدی و محبی ۲۰۱۲	روش سری زمانی	۱۹۷۱ تا ۲۰۰۸ ایران	نتایج به‌دست‌آمده نشان داده‌اند که باز بودن تجارت اثر مثبت قابل توجهی بر رشد اقتصادی در ایران دارد.

جهانی شدن و رشد اقتصادی در نیجریه: تجزیه و تحلیل چندبعدی	فیدلیس و الوکاید ۲۰۱۲	روش رگرسیون چندمتغیره و سری زمانی	۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ نیجریه	نتایج حاصل از برآورد الگو نشان داده است که هر دو شاخص‌های جهانی شدن اقتصادی و سیاسی اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی در نیجریه دارند. درحالی که شاخص جهانی شدن اجتماعی، تأثیری منفی بر رشد داشته و شاخص ترکیبی جهانی شدن اثری مثبت بر رشد اقتصادی دارد.
اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه: مطالعه موردی اقتصاد بنگلادش	مانی و افضل ۲۰۱۲	روش حداقل مربعات معمولی	۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ بنگلادش	نتایج نشان داده است که سیاست آزادسازی تجاری، با بهبود صادرات در کشور منجر به رشد اقتصادی بالاتر می‌شود.
اثر متقابل تجارت بین‌المللی و رشد اقتصادی: شواهدی از تحلیل تطبیقی	یلمن ۲۰۱۳	-	-	یافته‌ها نشان داده است که در کشورهای درحال توسعه، سیاست‌های تجاری از لحاظ تحریک رشد هنوز هم از اهمیت زیادی برخوردارند. درحالی که این سیاست‌ها در کشورهای توسعه‌یافته از لحاظ تحریک رشد از اهمیت کمی برخوردار می‌باشند.
جهانی شدن و مشخصات محلی رشد اقتصادی و تغییرات صنعتی	دات و سودکام ۲۰۱۴	-	۱۹۷۸ تا ۲۰۰۸ آلمان	نتایج پژوهش نشان داده است که یک الگوی خاص و یکسان برای رشد مناطق مختلف در آلمان وجود نداشته است و مناطق مختلف، مدل‌های رشد متفاوتی دارند و برخی از مناطق، عملکرد بسیار خوبی داشته‌اند. درحالی که در برخی از مناطق دیگر، رشد صنایع کاهش یافته است.
جهانی شدن و رشد اقتصادی: شواهدی از دو دهه از انتقال قدرت در CEE	گرگال و لاج ۲۰۱۴	روش داده‌های تابلویی	۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹ ۱۰ کشور عضو اتحادیه اروپا	نتایج حاکی از این بوده است که ابعاد اقتصادی و اجتماعی جهانی شدن تأثیری مثبت، معنادار و قوی بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه داشته است. درحالی که جهانی شدن سیاسی تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی نداشته است.
جهانی شدن، رشد اقتصادی، تجارت و تأثیر آن بر فقر روستایی با استفاده از مدل CGE	مومن و همکاران ۲۰۱۴	روش الگوی محاسبه تعادل عمومی (CGE)	۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ پاکستان	نتایج نشان داده است که جهانی شدن تأثیر مثبت بر کاهش فقر و افزایش امکانات برای رشد شرکت‌های کوچک و متوسط در روستاها داشته است و همچنین فرایند جهانی شدن منجر به کاهش نرخ تورم و افزایش فرصت‌های شغلی به‌دلیل افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.
جهانی شدن و رشد اقتصادی: ترسیم ابعاد اقتصادسنجی در نیجریه	نواکانما و آیه ۲۰۱۴	روش علیت گرنجر	۱۹۸۱ تا ۲۰۱۲ نیجریه	نتایج رگرسیون نشان داده است که یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین یکپارچگی مالی، توسعه منابع انسانی و باز بودن تجاری وجود دارد. همچنین نتایج آزمون علیت گرنجر حاکی از آن است که یک رابطه علی و معلولی یک‌طرفه بین ادغام مالی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، و یک رابطه علی یک‌طرفه بین باز بودن تجاری و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص وجود دارد.
آیا جهانی شدن رامنندار قوی رشد اقتصادی است؟ تحقیق در مورد صادرات غیر نفتی نیجریه	اکیوکیو و همکاران ۲۰۱۴	روش حداقل مربعات معمولی	۱۹۷۰ تا ۲۰۱۱ نیجریه	نتایج نشان داده است که تغییر در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش غیرنفتی، تأثیر مثبت و بی‌معنا بر صادرات غیرنفتی داشته، همچنین تأثیر متغیر نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی، بر صادرات غیرنفتی منفی و بی‌معنا بوده است. تأثیر متغیرهای تغییر در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش تولیدی و نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی بر صادرات بخش تولیدی، منفی و بی‌معنا بوده است. تأثیر متغیر تغییر در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش کشاورزی بر صادرات بخش کشاورزی، مثبت و معنادار بوده است و تأثیر متغیرهای نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی بر صادرات بخش کشاورزی منفی بوده است.
جهانی شدن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در بخش‌های مناطق جنوب صحرای آفریقا	سایبو و آکینبویلا ۲۰۱۴	الگوی خودرگرسیون برداری (VAR)	۱۹۸۶ تا ۲۰۰۴ ۱۲ کشور منتخب جنوب آفریقا	نوسان‌ها در رشد اقتصادی واقعی در کشورهای مورد مطالعه به‌دلیل عواملی فراتر از شوک‌های جریان سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت می‌باشد.
جهانی شدن و رشد اقتصادی: شواهد تجربی در بررسی نقش کلی	صمیمی و سالارزاده چنت‌آبادی ۲۰۱۴	روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)	۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸ ۳۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی	نتایج نشان داده است که جهانی شدن اقتصاد، تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه دارد و این اثر مثبت، در کشورهای دارای نیروی‌کار با سطح آموزش بالاتر و سیستم‌های مالی توسعه‌یافته‌تر قوی‌تر است. همچنین یافته‌ها نشان داده است که تأثیر جهانی شدن اقتصادی به سطح درآمد کشورهای نیز بستگی دارد. در واقع کشورهای با درآمد متوسط و بالا، بیشتر از کشورهای کم‌درآمد، از فرایند جهانی شدن بهره‌مند می‌شوند.
تأثیر جهانی شدن بر رشد اقتصادی	ینگ و همکاران ۲۰۱۴	روش FMOLS	۱۹۷۰ تا ۲۰۰۸ کشورهای عضو انجمن جنوب شرق آسیا	نتایج نشان داده است که جهانی شدن اقتصاد، تأثیر مثبت قابل توجهی بر رشد اقتصادی داشته است. جهانی شدن اجتماعی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته درحالی که جهانی شدن سیاسی، اثری منفی و بی‌معنا بر رشد داشته است.

منبع: مطالعات انجام‌شده توسط محقق

در جدول شماره (۱)، برخی از پژوهش‌های تجربی انجام‌شده درباره جهانی شدن و رشد اقتصادی به صورت خلاصه آورده شده است. نتایج این پژوهش‌ها نشانگر تأثیر مثبت جهانی شدن اقتصادی بر رشد اقتصادی در همه موارد بوده است. دیگر ابعاد جهانی شدن شامل جهانی شدن اجتماعی و سیاسی نیز در برخی از پژوهش‌ها، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است.

۴. معرفی الگوی اقتصادسنجی

پژوهش‌هایی که تاکنون به بررسی رابطه جهانی شدن و رشد اقتصادی پرداخته‌اند، معمولاً جنبه اقتصادی جهانی شدن را در نظر گرفته‌اند و کمتر به جهانی شدن به عنوان فرایندی چندبعدی توجه کرده‌اند. همچنین برای بررسی اثر جهانی شدن اقتصادی نیز از شاخص‌های ساده‌ای که تنها یک جنبه از فرایند را در نظر می‌گیرند، مانند شاخص باز بودن تجاری^۱، استفاده کرده‌اند.

پژوهش حاضر، با تلاش برای بررسی رابطه جهانی شدن (به‌عنوان فرایندی کلی نه یک‌بعدی) بر رشد اقتصادی، از شاخص کلان و جدید جهانی شدن KOF^۲ استفاده کرده است.

برای بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، الگوهای فراوانی طراحی شده است. *لویین و رنلت* (۱۹۹۲) در تعمیم الگوی سولو با معرفی الگوی خود بیان می‌کنند که هنوز یک الگوی نظری مورد قبول همگان برای انجام کارهای تجربی وجود ندارد. الگوهای نظری موجود نیز متغیرهایی را که معمولاً در الگوهای رشد یا مطالعات تجربی استفاده شده‌اند، مشخص نمی‌کنند. براساس مطالعه لویین و رنلت متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی به سه گروه کلی تقسیم می‌شوند:

۱. مجموعه‌ای از متغیرهایی که همواره در الگوهای رشد وارد می‌شوند و شامل متغیرهایی که در الگوهای رشد لویین و رنلت (۱۹۹۲) وجود داشته‌اند نیز می‌باشند، مانند سرمایه‌گذاری؛

۲. مجموعه‌ای از متغیرهایی که در پژوهش‌های گذشته بر رشد تأثیر بسزایی

1. Openness ((Export+ Import) / GDP

2. KOF Globalization Index

داشته‌اند، مانند نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و...
 ۳. متغیری که در این مقاله معرفی شده و اثر آن بر رشد اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود، که در اینجا ابعاد سه‌گانه جهانی شدن است.
 بنابراین به منظور تشخیص رابطه بین ابعاد سه‌گانه جهانی شدن و رشد اقتصادی، مدل زیر برای ۱۴ کشور منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا معرفی می‌شود:
 (۱)

$$LN\text{GDP}_{it} = \beta_1 + \beta_2\text{KOF}_{it} + \beta_3\text{LF}_{it} + \beta_4\text{INV}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در الگوی موردنظر متغیرها به شرح زیر هستند:

GDP: تولید ناخالص داخلی؛

KOF: شاخص جهانی شدن؛

LF: نرخ مشارکت نیروی کار، درصدی از کل جمعیت بالای ۱۵ سال؛

INV: سرمایه‌گذاری کل، درصدی از تولید ناخالص داخلی؛

ε_{it} : جزء اخلاص؛

t, i به ترتیب بیانگر کشور و زمان داده‌های آماری می‌باشد.

۴-۱. متغیرهای موجود در الگو

جدول شماره (۲). متغیرهای مورد استفاده و تعریف آنها

علامت اختصاری	تعریف متغیر	متغیر
GDP	GDP (constant 2005 us \$) 2005	تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵
Investment	Total investment percent of GDP	سرمایه‌گذاری کل، درصدی از GDP
Laborforc	Labor force participation rate, total (% of total population ages 15+)	نرخ مشارکت نیروی کار، کل (درصد از کل جمعیت بالاتر از ۱۵ سال)
Economic globalization	KOF index of economic globalization	شاخص جهانی شدن اقتصادی KOF
Social globalization	KOF index of social globalization	شاخص جهانی شدن اجتماعی KOF
Political globalization	KOF index of political globalization	شاخص جهانی شدن سیاسی KOF

منبع: پایگاه اینترنتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و پایگاه اینترنتی مؤسسه KOF

۴-۱-۱. تولید ناخالص داخلی

در این پژوهش از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ استفاده شده است. آمار مربوط به تولید ناخالص داخلی از پایگاه اینترنتی بانک جهانی گرفته شده است.

GDP_{it} : تولید ناخالص داخلی برای کشور i ام در سال t ام است.

۲-۱-۴. سرمایه‌گذاری

نسبت کل سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی است. آمار مربوط به سرمایه‌گذاری از پایگاه اینترنتی صندوق بین‌المللی پول گرفته شده است. INV_{it} سرمایه‌گذاری کل درصدی از تولید ناخالص داخلی، برای کشور i ام در سال t ام است.

۳-۱-۴. نیروی کار

نرخ مشارکت نیروی کار، نسبتی از جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر است که از لحاظ اقتصادی فعال می‌باشند؛ شامل تمام افرادی که در طول یک دوره زمانی مشخص شده، کار را برای تولید کالاها و خدمات عرضه می‌کنند که توسط پایگاه اینترنتی بانک جهانی منتشر می‌شود.

LF_{it} : نرخ مشارکت نیروی کار، درصدی از کل جمعیت بالای ۱۵ سال برای کشور i ام در سال t ام است. در بسیاری از الگوهای رشد اقتصادی، بر نقش مؤثر نیروی کار و سرمایه‌گذاری در رشد اقتصادی تأکید شده است.

۴-۱-۴. شاخص جهانی شدن

در این پژوهش برای نشان دادن جهانی شدن، از شاخص جدید KOF که ۳ بعد اصلی جهانی شدن (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) را در نظر می‌گیرد، استفاده شده است. مقیاس این شاخص ۰ تا ۱۰۰ است؛ ۱۰۰ بالاترین درجه جهانی شدن را نشان می‌دهد.

KOF_{it} : شاخص جهانی شدن کشور i ام در سال t ام است.

جهانی شدن و رشد اقتصادی: در قسمت مبانی نظری به اثر جهانی شدن بر رشد اقتصادی اشاره شده است.

۵. اطلاعات کمی شاخص های جهانی شدن

جدول شماره (۳). اطلاعات مربوط به شاخص جهانی شدن اقتصادی KOF برای کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

ردیف	کشور	سال												
		۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
۱	اردن	۶۱/۸۴	۶۳/۳۳	۶۴/۹۵	۶۶/۵۴	۶۹/۶۱	۶۸/۹۷	۷۰/۳۱	۶۸/۵۵	۶۵/۴۹	۶۸/۴۱	۶۷/۸	۶۴/۸۹	۶۶/۶۱
۲	الجزایر	۴۲/۹۵	۴۳/۷۱	۴۷/۴۷	۴۸/۲۷	۵۰/۲۱	۵۳/۷۵	۴۸/۶۲	۴۷/۴۹	۵۱/۰۵	۴۴/۲۵	۳۹/۷۲	۵۲/۳۶	۴۷/۸۶
۳	امارات	۶۹/۴۶	۷۰/۵۶	۷۴/۳۱	۷۴/۴۶	۷۹/۹۵	۷۹/۵۶	۸۱/۰۶	۸۵/۷۱	۸۶/۱۱	۸۵/۲۹	۸۵	۸۸/۷۴	۸۰/۰۹
۴	ایران	۳۱/۶۶	۳۱/۱	۳۳/۶۹	۳۴/۶۴	۲۵/۰۷	۲۶/۷۹	۲۹/۹۵	۲۴/۸۷	۲۸/۱۸	۲۸/۷	۲۹/۴۷	۲۸/۹۴	۲۹/۰۶
۵	بحرین	۸۶/۵۴	۸۶/۳۳	۸۶/۹۳	۸۶/۶۹	۸۶/۸۶	۸۸/۳۳	۸۹/۲۸	۸۸/۲۶	۸۸/۳۸	۸۷/۸۵	۸۷/۱۸	۸۸/۹۶	۸۷/۷۳
۶	تونس	۵۰/۷۶	۵۰/۱۸	۵۲/۵۲	۵۱/۷۲	۵۳/۱۳	۵۹/۶	۵۷/۰۱	۵۹/۵۸	۵۸/۲۴	۶۰/۴۱	۶۰/۵۶	۵۹/۷۶	۵۶/۳۹
۷	عربستان	۶۰/۴۷	۶۲/۲۲	۶۱/۵۵	۶۱/۸۶	۶۰/۷۴	۶۱/۹۱	۶۵/۵۶	۶۷/۰۲	۶۸/۵۵	۷۰/۵۸	۶۶/۳۵	۶۷/۹۶	۶۴/۹۳
۸	عمان	۷۰/۰	۶۹/۸	۶۳/۶۷	۶۳/۰	۶۴/۷۹	۷۱/۱۳	۶۹/۹۶	۷۵/۱۲	۷۵/۷۶	۷۷/۲۸	۷۴/۸۵	۷۴/۹۷	۷۱/۲۸
۹	قطر	۷۶/۸۵	۷۷/۹۵	۷۷/۸۱	۷۸/۰۵	۷۸/۴۸	۷۹/۰۷	۷۸/۹۵	۷۹/۲۷	۷۷/۷۹	۸۰/۴۱	۸۰/۱۲	۷۹/۳۸	۷۸/۷۸
۱۰	کویت	۶۳/۰۴	۶۰/۳۴	۶۰/۱۵	۵۹/۳۷	۶۰/۸۸	۶۳/۴۷	۶۵/۱۱	۶۸/۷۹	۶۸/۷۵	۶۹/۱۶	۶۵/۹۶	۶۸/۲۲	۶۴/۷۸
۱۱	لبنان	۵۵/۷۷	۵۷/۵۶	۵۹/۴۹	۶۴/۹۳	۶۴/۱۸	۶۴/۸۹	۶۶/۱	۶۶/۲	۶۶/۱۲	۶۴/۳۹	۶۳/۹۲	۶۴/۴۹	۶۳/۱۸
۱۲	مراکش	۳۵/۴۲	۳۹/۰۴	۴۱/۱۶	۴۴/۳۶	۴۰/۷	۴۴/۸۹	۴۵/۵۷	۴۸/۳۷	۴۸/۱۴	۴۸/۷۷	۵۰/۹۶	۵۴/۸۳	۴۶/۶۰
۱۳	مصر	۴۰/۵۴	۴۰/۹۱	۴۱/۰۲	۴۰/۰۷	۴۲/۵۴	۴۷/۹۷	۴۸/۵۳	۴۹/۰۳	۴۷/۳۲	۴۷/۰۳	۵۱/۱۱	۴۸	۴۵/۴۵
۱۴	یمن	۵۸/۷۳	۵۸/۵۴	۵۹/۰۳	۵۸/۴۴	۵۸/۹۸	۵۸/۲۱	۵۹/۸۸	۶۰/۷	۶۱/۷۵	۵۷/۶۶	۵۸/۰۴	۵۹/۷۷	۵۸/۵۸

منبع: پایگاه اینترنتی مؤسسه KOF، سال ۲۰۱۴

جدول شماره (۴). اطلاعات مربوط به شاخص جهانی شدن اجتماعی KOF برای کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

ردیف	کشور	سال													
		۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	میانگین
۱	اردن	۵۹/۰۸	۵۹/۴	۵۹/۷۴	۵۹/۶۱	۶۰/۱۵	۵۹/۸	۶۱/۳۳	۶۱/۴۲	۶۲/۵۸	۶۲/۴۲	۶۱/۴۳	۵۹/۱	۶۴/۰۹	۶۰/۷۸
۲	الجزایر	۳۰/۶۲	۲۹/۳۶	۳۱/۴۷	۳۲/۹۵	۳۵/۲۲	۳۴/۵۸	۳۴/۲۹	۳۴/۸۷	۳۳/۳۷	۳۴/۹۷	۳۴/۹۱	۳۴/۹۵	۳۵/۸۵	۳۳/۶۴
۳	امارات	۸۱/۱۱	۸۱/۴۷	۸۰/۹۱	۸۱/۶۶	۸۱/۰۴	۸۱/۴۴	۸۱/۸۸	۸۲/۷۸	۸۱/۶۸	۸۱/۵۹	۸۱/۵۵	۸۱/۶۹	۷۷/۹۱	۸۱/۲۸
۴	ایران	۲۴/۹۹	۲۴/۹۴	۲۷/۵۵	۲۷/۸۶	۲۹/۲۷	۲۸/۷۴	۲۹/۵۶	۳۰/۳۹	۳۱/۴۵	۳۱/۷۱	۳۳/۲	۳۳/۳۱	۳۰/۹۲	۲۹/۶۱
۵	بحرین	۶۸/۲۳	۶۹/۶۴	۶۹/۰۶	۶۸/۷۸	۶۶/۹۶	۶۴	۶۵/۲۵	۶۴/۸۷	۶۵/۰۹	۶۴/۹۱	۶۸/۴۳	۷۰/۴	۶۳/۳۶	۶۶/۸۴
۶	تونس	۳۹/۹	۴۱/۰۱	۴۱/۴۱	۴۱/۹۹	۴۲/۸۶	۴۲/۶۲	۴۲/۸۷	۴۱/۷۷	۴۱/۹۹	۴۲/۳۶	۴۱/۹۸	۴۰/۴	۳۹/۶۳	۴۱/۵۹
۷	عربستان	۶۹/۷	۷۰/۲۵	۷۲/۷۴	۷۲/۶	۷۳/۴۸	۷۳/۲۶	۷۲/۰۶	۷۲/۷۹	۷۳/۲۲	۷۲/۵۴	۷۲/۰۸	۷۲/۶۵	۶۹/۳۷	۷۲/۰۵
۸	عمان	۵۸/۲۸	۶۲/۸۳	۵۹/۷۴	۶۰/۶۵	۶۱/۰۶	۵۸/۱۸	۵۷/۳۴	۵۷/۸۵	۵۷/۹۸	۵۸/۵۶	۵۷/۹۴	۵۶/۸۵	۵۸/۳۵	۵۸/۸۹
۹	قطر	۶۲/۳۸	۶۴/۰۸	۶۴/۶۷	۶۶/۵۳	۶۷/۲۹	۶۵/۸۷	۶۵/۵۹	۶۵/۱۹	۶۵/۱۴	۶۵/۰۹	۶۶/۲	۶۴/۸۸	۶۱	۶۴/۹۱
۱۰	کویت	۸۰/۷۱	۸۰/۷۲	۸۱/۴۸	۸۱/۴۳	۸۰/۶۹	۷۹/۵۵	۸۰/۰۹	۷۹/۵۶	۸۰/۵۸	۸۰/۸۸	۸۰/۹۵	۸۱/۱۶	۸۱/۱۹	۸۰/۶۹
۱۱	لبنان	۶۳/۱۶	۶۳/۵	۶۴/۱۷	۶۴/۸۹	۶۶/۰۶	۶۶/۱۴	۶۶/۰۸	۶۶/۰۶	۶۶/۰۶	۶۶/۱۲	۷۱/۶۱	۶۹/۹۳	۶۵/۰۱	۶۶/۰۵
۲۲	مراکش	۴۵/۳۸	۴۶/۶۱	۴۷/۱۶	۴۶/۳۷	۴۶/۶	۴۷/۸	۴۷/۱۸	۴۹/۳۶	۵۰/۱۸	۵۱/۳۳	۵۴/۴۴	۵۶/۷۳	۵۱/۲۴	۴۹/۶۵
۳۳	مصر	۴۲/۰۹	۴۲/۷۱	۴۳/۲۹	۴۲/۴۷	۴۳/۹۲	۴۵/۴۳	۴۵/۵۸	۴۵/۶۸	۴۶/۶۸	۴۶/۵۹	۴۵/۵۲	۴۲/۵۲	۴۵/۳۱	۴۴/۴۴
۴۴	یمن	۲۰/۷۶	۲۱/۱۳	۲۳/۶	۲۳/۶۸	۲۴/۰۴	۲۲/۵۶	۲۲/۴۸	۲۴/۳۲	۲۴/۸۷	۲۵/۳۵	۲۵/۴۵	۲۵/۴۶	۲۶/۶۲	۲۳/۸۷

منبع: پایگاه اینترنتی مؤسسه KOF، سال ۲۰۱۴

جدول شماره (۵). اطلاعات مربوط به شاخص جهانی شدن سیاسی KOF برای کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

ردیف	کشور	سال															
		۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	میانگین		
۱	اردن	۸۲/۱۷	۸۳/۳	۸۲/۷۳	۸۳/۵۴	۸۴/۷۹	۸۵/۳	۸۵/۳	۸۳/۸۱	۸۳/۵۵	۸۳/۲۲	۸۲/۴۵	۸۳/۱۷	۸۲/۰۲	۸۲/۱۷	۸۵/۱۲	۸۷/۳۳
۲	الجزایر	۴۷/۴۳	۴۷/۴۳	۴۷/۱۲	۴۸/۱۹	۴۷/۸۷	۴۸/۱۲	۴۹/۷۱	۴۸/۱۲	۴۹/۵۵	۴۸/۱۷	۴۷/۶۶	۴۸/۱۷	۴۷/۴۳	۴۷/۴۳	۴۸/۴۶	۸۵/۳۸
۳	امارات	۴۸/۹۸	۴۹/۲۳	۴۷/۱۱	۴۵/۷۶	۴۴/۱۹	۴۴/۴۴	۴۷/۴۵	۴۸/۱۲	۴۹/۵۵	۴۸/۱۷	۴۷/۶۶	۴۸/۱۷	۴۷/۴۳	۴۷/۴۳	۴۸/۴۶	۵۰/۵۵
۴	ایران	۷۳/۸۹	۲۸/۶۹	۳۹/۲	۴۱/۵۲	۴۳/۰۷	۴۲/۳۳	۴۳/۴۱	۴۲/۲۹	۴۵/۲۹	۴۶/۹۴	۴۷/۴۹	۴۷/۷۴	۴۹/۵۶	۴۹/۰۳	۴۸/۷۸	۷۰/۹۳
۵	بحرین	۸۳/۴۸	۸۶/۴۶	۸۵/۵۳	۸۶/۸۳	۸۶/۲۲	۸۶/۴۷	۷۸/۲۹	۸۷/۵۷	۸۷/۰۵	۸۷/۳	۸۷/۷۴	۸۶/۸۹	۸۶/۴۸	۸۷/۳	۸۷/۳۳	۸۷/۳۳
۶	تونس	۵۷/۶۸	۵۸/۰۲	۵۷/۲۸	۵۸/۰۲	۵۷/۲۸	۵۷/۶۱	۵۸/۳۵	۵۷/۲۹	۵۷/۵۷	۵۷/۳	۵۷/۷۴	۵۶/۸۹	۵۶/۴۸	۵۷/۳	۵۷/۳۳	۵۸/۷۶
۷	عربستان	۴۰/۳۱	۴۰/۶۴	۳۹/۰۲	۴۰/۰۶	۴۰/۶۵	۴۱/۶۵	۴۲/۱۶	۴۲/۰۴	۴۲/۰۴	۴۲/۲۹	۴۳/۰۹	۴۳/۳۴	۴۳/۳۱	۴۳/۰۹	۴۳/۳۳	۴۳/۳۳
۸	عمان	۴۲/۵۳	۴۳/۰۳	۴۳/۰۳	۴۴/۰۸	۴۴/۰۴	۴۶/۳۴	۴۶/۷۲	۴۶/۳۴	۴۶/۳۴	۴۶/۲۹	۴۵/۰۹	۴۵/۳۴	۴۵/۳۱	۴۵/۱۲	۴۵/۳۶	۴۶/۷۲
۹	قطر	۵۵/۸۳	۵۶/۸۴	۵۵/۴۳	۵۶/۲۵	۵۷/۶۲	۵۷/۱۸	۵۸/۹۴	۵۷/۹۴	۵۷/۵۴	۵۷/۵۴	۵۷/۰۴	۵۷/۷۴	۵۶/۷۶	۵۶/۰۴	۵۶/۳۶	۵۸/۸۴
۱۰	کویت	۵۸/۵۸	۵۹/۱۳	۵۸/۷۶	۵۹/۲۷	۷۳/۸۷	۷۵/۶۱	۷۶/۵۸	۷۶/۵۸	۷۶/۵۴	۷۶/۲۹	۷۶/۰۹	۷۶/۲۳	۷۶/۳۱	۷۶/۰۴	۷۶/۳۶	۷۶/۳۳
۱۱	لبنان	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲	۷۹/۹۲
۱۲	مراکش	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲	۹۰/۰۲
۱۳	مصر	۳۸/۷۲	۳۸/۹۸	۳۸/۹۸	۳۸/۲۴	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱	۳۸/۰۱
۱۴	یمن	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰	۵۷/۳۰

منبع: پایگاه اینترنتی مؤسسه KOF، سال ۲۰۱۴

۶. یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۶). بررسی پایایی متغیرهای مورد استفاده در برآورد الگو

نام متغیر	آماره لوین، لین و چو	سطح معناداری	مرتب‌ه تفاوت
LN(GDP)	-۲/۵۸۲۳۶	/۰۰۰۴۹	I(0)
LF	-۲/۱۹۷۶۰	/۰۰۱۴۰	I(0)
INV	-۲/۱۸۶۱۷	/۰۰۰۰۷	I(0)
KOF(ECO)	-۴/۵۱۸۱۱	/۰۰۰۰۰	I(0)
KOF(SOC)	-۲/۵۹۷۹۰	/۰۰۰۴۷	I(0)
KOF(POL)	-۱۴/۰۳۴۲	/۰۰۰۰۰	I(0)

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews 6

۶-۱. خلاصه نتایج برآورد الگو برای تأثیر ابعاد سه‌گانه جهانی شدن بر رشد

اقتصادی

جدول شماره (۷). خلاصه نتایج برآورد الگو برای ابعاد سه‌گانه جهانی شدن بر رشد اقتصادی

متغیرها	الگوی بعد اقتصادی	الگوی بعد اجتماعی	الگوی بعد سیاسی	الگوی شاخص ترکیبی
عرض از مبدأ (c)	۸/۴۱۲۱۸۹ (۳۳/۲۵۰۶۵)	۷/۷۳۶۶۴۳ (۴۷/۱۱۷۶۵)	۸/۹۸۶۱۸۹ (۴۶/۱۰۵۲۶)	۸/۳۵۲۸۳۹ (۷۶/۵۹۸۹۷)
سرمایه‌گذاری کل (INV)	۰/۰۰۲۷۹۳ (۳/۳۱۰۸۰۲)	۰/۰۰۵۷۱۰ (۶/۷۵۲۱۹۷)	۰/۰۰۵۴۳۰ (۵/۰۳۸۹۶۵)	۰/۰۰۳۰۴۰ (۴/۳۳۴۲۴۶)
نرخ مشارکت نیروی کار (LF)	۰/۰۰۳۲۰۳۷ (۱۴/۱۷۵۷۱)	۰/۰۰۳۶۰۲۴ (۱۵/۶۴۴۷۵)	۰/۰۰۲۱۹۵۲ (۷/۵۲۵۵۳۶)	۰/۰۰۲۲۹۱۱ (۱۱/۴۳۸۷۸)
شاخص اقتصادی جهانی شدن (KOF)	۰/۰۰۸۲۸۷ (۸/۶۶۳۷۷۱)	-	-	-
شاخص اجتماعی جهانی شدن (KOF)	-	۰/۰۱۶۱۷۰ (۹/۴۰۶۵۲۷)	-	-
شاخص سیاسی جهانی شدن (KOF)	-	-	۰/۰۰۶۳۸۸ (۷/۲۳۴۷۹۳)	-
آماره F	۱۱۸۱/۱۸۹	۹۴۶/۵۵۴۰	۹۸/۷۲۶۵۳	۱۳۰/۱۶۸
P-Value	/۰۰۰۰۰۰	/۰۰۰۰۰۰	/۰۰۰۰۰/۰	/۰۰۰۰۰۰
R2	۰/۹۹۱۳۴۵	۰/۹۸۹۲۲۳	۰/۶۲۴۶۱۵	۰/۹۹۲۱۳۷
R2 تعدیل شده	۰/۹۹۰۵۰۶	۰/۹۸۸۱۷۸	۰/۶۱۸۲۸۸	۰/۹۹۱۳۲۴

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Eviews 6

در جدول شماره (۷)، نتایج برآورد الگو برای ابعاد سه‌گانه جهانی شدن بر رشد اقتصادی به‌طور مختصر آورده شده است. همان‌گونه که در جدول می‌بینیم شاخص‌های جهانی شدن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌ترتیب با ضرایب ۰/۰۱۶۱۷۰، ۰/۰۰۸۲۸۷ و ۰/۰۰۶۳۸۸ بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب دارند. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، از بین شاخص‌های سه‌گانه جهانی شدن در کشورهای مورد مطالعه، شاخص جهانی شدن اجتماعی

بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی دارد؛ بنابراین تأثیر گسترش روابط اجتماعی از طریق ارتباطات فردی، جریان اطلاعات و نزدیکی فرهنگی، بر رشد اقتصادی در این کشورها از ویژه‌ای برخوردار است. در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی به جای سرمایه فیزیکی به سرمایه انسانی اشاره شده است و در سال‌های اخیر، سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد، افزایش روابط اجتماعی و... است، به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مورد تأیید بوده و می‌تواند نقش بسزایی نسبت به سایر عوامل در رشد اقتصادی داشته باشد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تأثیر متقابل جهانی شدن و رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین مباحث ادبیات اقتصادی در هزاره سوم است. جهانی شدن، ابعاد و لایه‌های فراوانی دارد که در میان آنها سه بعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

برخلاف سایر مطالعات که از شاخص ساده جهانی شدن برای بررسی اثر جهانی شدن بر متغیرهای اقتصادی، استفاده کرده‌اند، این پژوهش، با بهره‌گیری از شاخص جدید جهانی شدن KOF و زیرشاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن، که توسط مؤسسه KOF ارائه و منتشر شده است و در مقایسه با شاخص‌های انفرادی معنی‌دارتر می‌باشد، اثر آنها را بر رشد اقتصادی برای دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ و با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) برآورد کرده است.

۷-۱. نتیجه‌گیری

- مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر عبارتند از:
۱. اثر جهانی شدن اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مثبت و معنادار است؛
 ۲. اثر جهانی شدن اجتماعی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مثبت و معنادار است؛
 ۳. اثر جهانی شدن سیاسی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مثبت و معنادار است؛

۴. شاخص‌های جهانی شدن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارا می‌باشند.

بنابراین می‌توان گفت، افزایش روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها با یکدیگر، منجر به بهبود رشد اقتصادی آنها می‌شود؛ از این رو کشورها به منظور افزایش رشد اقتصادی خود، می‌باید روابط خود را با یکدیگر گسترش داده و از فرایند جهانی شدن در همه ابعاد بهره گیرند.

۲-۷. پیشنهادها

براساس نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر برای افزایش رشد اقتصادی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ارائه می‌شود:

۱. با توجه به اینکه تأثیر بعد اجتماعی جهانی شدن بر رشد اقتصادی از سایر ابعاد جهانی شدن بیشتر است پیشنهاد می‌شود، سیاست‌های لازم در راستای افزایش روابط اجتماعی بین کشورها (توسعه ارتباطات فردی از طریق گردشگری، افزایش جریان اطلاعات و...) به منظور افزایش رشد اقتصادی اعمال شود؛
۲. کاهش محدودیت‌ها و موانع تجارت و کاهش نرخ‌های تعرفه صادرات و واردات بین کشورها و باز شدن روزافزون مرزهای اقتصادی بین کشورها به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بالا؛
۳. اعمال سیاست‌های لازم برای ارتقای کیفیت کالاهای داخلی و توان رقابت آنها در بازارهای بین‌المللی به منظور دستیابی به رشد صادرات و رشد تولید داخلی کشورها؛
۴. افزایش مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی و گسترش روابط سیاسی با کشورهای مختلف جهان به منظور افزایش رشد اقتصادی.

منابع

الف- فارسی

- استادی، حسین، رفعت، بتول و رئیسی، عباسعلی. ۱۳۹۲. «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در رشد اقتصادی ایران (۱۳۸۷-۱۳۵۷) و بررسی رابطه متقابل آنها»، *فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی*، شماره ۹، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- امام‌وردی، قدرت‌اله و شریفی، امید. ۱۳۸۹. «بررسی رابطه تجارت خارجی و باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی ایران»، *فصلنامه علوم اقتصادی*، سال ۵، شماره ۱۳، صص ۱۵۶-۱۳۷.
- بهکیش، محمدمهدی. ۱۳۸۰. *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، تهران: نشرنی.
- ترابی، تقی و محمدزاده‌اصل، نازی. ۱۳۸۶. «تحلیل نقش جهانی شدن در جذب سرمایه خارجی و رشد اقتصادی»، *پژوهشنامه اقتصادی*، سال دهم، شماره ۲، صص ۲۴۰-۲۱۷.
- جعفری صمیمی، احمد و بحرینی، نصرت. ۱۳۹۳. «بررسی رابطه جهانی شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی: مطالعه موردی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، *پنجمین همایش ملی دانشجویی اقتصاد ایران*.
- حمیدی، همایون و سرفرازی، مهرزاد. ۱۳۹۰. «جهانی شدن و مدیریت منابع انسانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال دوم، پیش شماره ۲، صص ۴۰-۱.
- دادگر، یدالله و ناجی‌میدانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۲. «شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۲۹، صص ۱۳۵-۱۰۳.
- دادگر، یداله و ناجی‌میدانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۳. «آثار جهانی شدن تجارت بر رشد اقتصادی در ایران»، *نشریه نامه مفید*، دوره ۱۰، شماره ۴۲، صص ۶۴-۳۳.
- رضوی، سید عبدالله و سلیمی‌فر، مصطفی. ۱۳۹۲. «اثر جهانی شدن اقتصاد بر رشد اقتصادی با استفاده از روش خودتوضیح برداری»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۳۲-۹.
- شریفی رنانی، حسین، صفائی شکیب، مریم و عمادزاده، مصطفی. ۱۳۸۹. «بررسی اثر گردشگری بر رشد اقتصادی ایران (در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۶۸)»، *فصلنامه علوم اقتصادی*، سال دوم، شماره ۶، صص ۲۵-۱۰.

- طیبه، سیدکمیل، جباری، امیر و بابکی، روح‌الله. ۱۳۸۶. «بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران، کشورهای OECD به‌علاوه کشورهای منتخب)»، *مجله دانش و توسعه*، شماره ۲۴، صص ۸۷-۶۵.
- عاشورزاده، اعظم، مقدسی، محدثه و رضوی، سید عبدالله. ۱۳۹۲. «اثر جهانی شدن اقتصاد و تجارت بر رشد اقتصادی مدل خودتوضیحی برداری»، *اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران*.
- غلامی، زینب. ۱۳۹۱. «بررسی رابطه جهانی شدن و پایداری محیط زیست در کشورهای منتخب جهان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
- فرزین، محمدرضا، اشرفی، یکتا و فهیمی‌فر، فاطمه. ۱۳۹۱. «بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی: تلفیق روش‌های سیستم دینامیک و اقتصادسنجی»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیستم، شماره ۶۱، صص ۶۲-۲۹.
- کمیجانی، اکبر و قویدل، صالح. ۱۳۸۵. «اثر سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اشتغال ماهر و غیرماهر بخش خدمات ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۶، صص ۵۰-۲۹.
- لطفعلی‌ثانی، شهرزاد. ۱۳۸۵. «تأثیر جهانی شدن بر رشد اقتصادی ایران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
- میرمحمدی، داوود. ۱۳۸۱. «جهانی شدن، ابعاد و رویکردها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۸۴-۶۰.

ب- انگلیسی

- Afzal, M. 2008. "The Impact of Globalization on Economic Growth of Pakistan: An Error Correction Modeling", *International Economic Journal*, 20 (1), pp. 63-77.
- Ahmadi, R. and Mohebbi, N. 2012. "Trade Openness and Economic Growth in Iran", *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 2(1), pp 885-890.
- Balaguer, J. and Cantavella-Jorda, M. 2002. "Tourism as a Long-run Economic Growth Factor: The Spanish Case", *Applied Economic*, No. 34, pp 877-884.
- Balioune, M. N. 2002. *Assessing the Impact of one Aspect of Globalization on Economic Growth in Africa*, (No. 2002/91). Wider Discussion Papers//World Institute for Development Economics (UNU-WIDER).
- Bilman, A. S. and Turkeli, S. 2013. "Interaction Between International Trade

- and Economic Growth: Evidence from Qualitative Comparative Analysis", **An International Refereed Journal**, 4.
- Borensztein, E, J. De Gregorio, et al. 1998. "How Does Foreign Direct Investment Affect Economic Growth", **Journal of International Economics**, Vol. 45, No. 1, pp. 115-135.
- Dauth, W. and Suedekum, J. 2014. **Globalization and Local Profiles of Economic Growth and Industrial Change**.
- De Mello, L. R. 1999. "Foreign Direct Investment-Led Growth: Evidence from Time Series and Panel Data", **Oxford Economic Papers**, Vol. 51, No. 1, pp. 133-151.
- Dollar, D. 1992. "Outward- Oriented Developing Economies Really Do Grow More Rapidly: Evidence from 95 LDCs, 1976-1985", **Economic Development and Cultural Change, University of Chicago Press**, Vol. 40(3), pp. 44-523.
- Dollar, D., and Kraay, A. 2001. "Trade, Growth, and Poverty", **The Economic Journal**, No.114, pp. 22-49.
- Dreher, Axel. 2005. "Does Globalization Affect Growth? Evidence from a new Index of Globalization", **Applied Economics**, 38(10), pp. 1091-1110.
- Dritsakis, N. 2004. "Tourism as a Long-run Economic growth Factor: An Empirical Investigation for Greece Using Causality Analysis", **Tourism Economics**, 10(3), pp. 305-316.
- Estevao, Marcello and Joaquim, Levy. 2000. "The New Economy in France: Development and Prospects", **In France: Selected Issues**, IMF Staff Country Report No 00/148.
- Frankel, J. A., and Romer, D. 1999. "Does Trade Cause Growth?", **The American Economic Review**, 89, No.3, pp. 379-399.
- Fidelis, O.O, and Olukayode, E.M. 2012. "Globalization and Economic Growth in Nigeria: A Multi-Dimensional Analysis", **Pakistan Journal of Social Sciences**, 9(2), pp. 89-95.
- Findly, R. 1978. "Relative Backwardness, Direct Foreign Investment and the Transfer of Technology: A Simple Dynamic Model", **Quartly Journal of Economic**, Vol. 92, No. 1, pp 1-16.
- Frankel, J. A., and Romer, D. 1999. "Does Trade Cause Growth?", **The American Economic Review**, 89, NO.3, pp. 379-399.
- Giang, C.Z.W, Pitt, A., and Ayers S. 2003. **Contribution of Information Communication Technologies to Growth**, World Bank.



- Grossman, G. M., and E, Helpman. 1991. ***Innovation and Growth in the Global Economy***, Cambridge MA: MIT Press.
- Gurgul, H. and Lach, L. 2014. "Globalization and Economic Growth: Evidence from Two Decades of Transition in CEE", ***Economic Modelling***, Vol. 36, pp. 99-107.
- Harrison, A. 1996. "Openness and Growth: A Time-series, Cross-country Analysis for Developing Countries", ***Journal of Development Economics, Elsevier***, Vol. 48, No. 2, pp 419-447.
- Hermes, N. and Lensic, R. 2003. "Foreign Direct Investment, Financial Development and Economic Growth", ***The Journal of Development Studies***, Vol. 40, No. 1, pp. 142-163.
- Heshmati, A., and Lee, S. 2010. "The Relationship Between Globalization, Economic Growth and Income Inequality", ***Journal of Globalization Studies***, Moscow.
- KOF Index of Globalization**, available at: www.globalization.kof.ethz.ch
- Levine, R., and Renelt, D. 1992. "A Sensitivity Analysis of Cross-Country Growth Regressions", ***The American Economic Review***, pp. 942-963.
- Loots, E. 2002. ***Globalisation and Economic Growth in South Africa: Do we Benefit from Trade and Financial Liberalisation?***, Department of Economics, Rand Afrikaans University.
- Lucas, R.E.J. 1988. "On the Mechanics of Economic Development", ***Journal of Monetary Economics***, Vol. 22, No. 1, pp. 3-4.
- Manni, U. H., and Afzal, M. N. I. 2012. Effect of Trade Liberalization on Economic Growth of Developing Countries: A Case of Bangladesh Economy", ***Journal of Business, Economics & Finance***.
- Memon, M.A, Helepoto, A.H., and Kazi, Z.H. 2014. "Globalization, Economic Growth and SMES Business its Implication on Rural Poverty in Sindh By Using CGE Model", ***Romanian Statistical Review- Supplement***, No. 3, pp. 60-66.
- Mutascu, M., and Fleischer, A.-M. 2011. "Economic Growth and Globalization in Romania", ***World Applied Sciences Journal***, 12(10), pp. 1691-1697.
- Nwakanma, P.C, and Ibe, R.C. 2014. "Globalization and Economic Growth. An Econometric Dimension Drawing Evidence From Nigeria", ***International Review of Management Business Research***, Vol. 3, Issue. 2, pp. 771-778.
- Fidelis, Ogwumike and Olukayode, Maku. 2012. "Globalization and Economic

- Growth in Nigeria: A Multi-Dimensional Analysis", **Pakistan Journal of Social Sciences**, No. 9, pp. 89-95.
- Okpokpo, G.U, Ifelunini, I.A, and Osuyali, F. 2014. "Is Globalisation a Potent Driver of Economic Growth? Investigating The Nigerian Non-Oil Exports", **Asian Economic and Financial Review**, 4(6), pp. 781-792.
- Pohjola, M. 2002. "The New Economy: Facts, Impacts an Politics", **Information Economics and Policy**, No. 14, pp.133-144.
- Romer, P. 1989. "Human Capital and Growth: Theory and Evidence", **NBER Working Paper**, No. W3173.
- Sachs, J., and Warner, A. M. 1995. "Economic Reform and the Process of Global Integration", **Brooking Papers on Economic Activity**, Vol. 1, pp. 1-118.
- Saibu, M.O and Akinbobola, T.O. 2014. "Globalization, Foreign Direct Investment and Economic Growth in Sub Saharan Africa", **Journal of Economics and International Finance**, Vol. 6, No. 3, pp. 62-68.
- Sala-i-martin, X. 1997. "Transfers, Social Safety Nets, and Growth", **IMF Staff Papers**, Vol. 44, No. 1.
- Samimi, P., and Jenatabadi, H.S. 2014. "Globalization and Economic Growth: Empirical Evidence on the Role of Complementarities", **Plos One**, 9(4): e87824, Doi: 10.1371/Journal. Pone.0087824, pp 1-7.
- Solow, R. M. 1956. "A Contribution to the Theory of Economic Growth", **Quarterly Journal of Economics**, Vol. 70, No. 1, pp. 65-94.
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD), Foreign Direct Investment online Statistics, available at: <http://stats.unctad.org/fdi>.
- Ying, Y.H, Chang, K., and Lee, C.H. 2014. "The Impact of Globalization on Economic Growth", **Romanian Journal of Economic Forecasting**, pp. 25-34.
- Zhuang, R., and Koo, W. W. 2007. "Economic Growth under Globalization: Evidence from Panel Data Analysis", **American Agricultural Economics Association Annual Meeting**, Portland. OR, 1, pp. 1-22.